

سرمایه داری، کارگران و باغ داران

(گزارشی کوتاه از کار کارگران سیب در استان آذربایجان غربی)

نظام تولیدی سرمایه‌داری دو طبقه‌ی اصلی دارد: طبقه‌ی سرمایه‌دار که مالک ابزار و وسایل تولید است و طبقه‌ی کارگر که مالکیت هیچ چیز نیز جز نیروی کارش را ندارد. به عبارتی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی ابزار تولید و کار مزدی تداوم دارد. این امر تضاد بنیادین بین دو طبقه‌ی پیش گفته، طبقه‌ی سرمایه‌دار و طبقه‌ی کارگر، را تشکیل می‌دهد: تضاد کار مزدی و سرمایه. تضادی که ناشی از خصلت خصوصی مالکیت سرمایه و خصلت جمعی کار است. سرمایه‌دار با تصاحب ارزش خلق‌شده توسط کارگران فربه‌تر می‌شود و کارگر فقیرتر.

پس بخش عمده‌ی جامعه را کارگران و خانواده‌هایشان تشکیل می‌دهند. اگر در اواخر قاجار و تا حدود اصلاحات ارضی و "انقلاب سفید" بخش عمده‌ی جمعیت جامعه را دهقان‌ها و خانواده‌هایشان تشکیل می‌دادند، حال این نسبت کاملاً به نفع کارگران و خانواده‌هایشان تغییر کرده است. هم‌چنین تضادی که فوقاً به شکل کاملاً خلاصه به آن اشاره شد موجب مبارزه‌ی طبقاتی می‌شود.

لذا توصیف و روایت کردن زیست و کار طبقه‌ی کارگر که در کارخانجات و کارگاه‌ها و مزارع و سیستم حمل و نقل و ... به کار مشغول است و توصیف و روایت کردن مبارزات این طبقه در محیط کارش و خارج از آن، از مهم‌ترین وظایف پیش‌روان این طبقه است که هم با آشنا کردن بخش‌های مختلف این طبقه با یک‌دیگر و شرایط زیست و کارشان و هم با مبارزاتشان، بشود با دیدی واقعی به نقاط قوت و ضعف مبارزات طبقاتی پی برد و دید روشن‌تری از وظایف و افق و مسیر پیش‌رو داشت.

بر طبق آنچه ذکر شد، در این گزارش کوتاه تلاش می‌شود گوشه‌ای از زیست و کار کارگران میوه‌چین در استان آذربایجان غربی و موانع مبارزاتی آن‌ها را بازگو نماییم.

ما کارگران فصلی میوه‌چین، آن دسته از افراد طبقه‌ی کارگریم که ناچار به فروش موقتی نیروی کارمان به صاحبان باغ‌ها و مالکان زمین‌های کشاورزی هستیم؛ مانند سایر هم طبقه‌ای‌هایمان که به‌جز کالای نیروی کار خود چیزی برای فروش ندارند. خریداران نیروی کار ما افرادی از طبقه‌ی سرمایه‌دار و مالکان زمین هستند. باغ مانند کارگاهی تولیدی است که ابزار آن زمین و نهرها و درختان و وسایل زراعی هستند و برای سودآوری نیاز به نیروی کار انسانی دارد. نیروی‌های کاری که در یک باغ کار می‌کنند شامل: کارگران میوه‌چین، هرس‌کار، سم‌پاش، آبیاری و بارزن میوه است. همین کارگران هستند که با کار خود ارزشی را خلق می‌کنند که سرمایه‌دار و زمین‌دار صاحب می‌شود.

این‌جا در جنوب استان آذربایجان غربی ما شاهد رشد سریع هر ساله‌ی باغ‌ها هستیم. سالانه به‌طور میانگین یک هزار باغ در استان احداث می‌شود. این مسئله دو دلیل اصلی دارد: از یک سو باغداری به کسب‌وکار سودآوری در سال‌های اخیر تبدیل شده است و از سوی دیگر شرایط طبیعی و آب و هوایی مساعد در این منطقه و همچنین وجود نیروی کار حرفه‌ای با پیشینه‌ی کار کشاورزی و زراعی، از دلایل مادی گسترش سرمایه به شکل باغ‌ها در این منطقه هستند.

استان آذربایجان غربی یکی از قطب‌های باغداری در کشور است. مساحت کل باغ‌های استان بالغ بر ۱۲۵ هزار هکتار است. تقریباً نیمی از باغ‌های استان را باغ‌های سیب تشکیل می‌دهند. به‌طوری که استان آذربایجان غربی رتبه‌ی اول تولید سیب کشور در سال‌های اخیر را داشته است؛ این به معنی تولید بیشتر از یک سوم سیب کشور است. به‌عنوان مثال، در سال گذشته تنها در یکی از شهرستان‌های استان چیزی بالغ بر ۵۰۰ هزار تن سیب برداشت شد.

ما کارگران میوه‌چین در یک مبادله‌ی گویا طبیعی، مجبور به فروش نیروی کارمان در ازای دستمزد ناچیزی هستیم که حتی کفاف نیازهای اصلی زندگی‌مان، مانند مسکن، خوراک و پوشاک، را هم نمی‌دهد. این خصلت نظام استثمارگر سرمایه‌داری است که در آن هزینه‌ی رفاه و آسایش طبقه‌ی سرمایه‌دار با فقر و فلاکت طبقه‌ی کارگر پرداخت می‌شود. در این مبادله سهم سرمایه‌داران باغ و میوه و ویلا و سهم ما کارگران رنج و مشقت کار در باغ است.

برداشت سیب در این استان تقریباً هر ساله با شروع فصل پاییز آغاز می‌شود. پروسه‌ای که در حدود ۵۰ تا ۷۰ روز کاری طول می‌کشد. از این روست که سرمایه‌داران، کارگران را به شکل فصلی و موقت به خدمت می‌گیرند. کارگران زن و مرد با سن‌های مختلف، از کودک تا کهن سال، با شروع فصل برداشت در باغ‌ها مشغول به کار می‌شوند. گفتیم که این کارگران فصلی و موقت هستند، به این معنا که تقریباً تمام عمرشان صرف کارهای فصلی و موقتی شده است. این کارگران در فصول مختلف از استانی به استانی دیگر و شهری به شهر دیگر می‌روند و مشغول کار

و برداشت محصول می‌شوند: برداشت میوه‌های تابستانی در دشت مغان، سیب زمینی در همدان و... نمونه‌هایی از کار این کارگران است. بقیه‌ی سال را نیز یا بیکارند و یا در کوره‌های آجرپزی و مرغ‌داری‌ها به شکل موقت مشغول هستند.

برخی از این کارگران با شروع فصل برداشت سیب با تمام اعضای خانواده‌ی خود و به‌صورت روزمزد و یا کنتراتی به باغ‌ها می‌روند. بعضاً تمام فرایند برداشت سیب در یک باغ را اعضای یک خانواده و یا چند خانواده انجام می‌دهند. حتی در بعضی موارد این خانواده‌ها به دلیل نیاز به کار کودکانشان (در چیدن سیب‌ها و پوشال گذاشتن داخل جعبه‌ها) آن‌ها را تا پایان فصل کاری به مدرسه نمی‌فرستند.

هم‌چنین در میان کارگران سیب‌چین، خرده‌کاسب‌ها، مغازه‌داران، دانشجویها، دانش‌آموزان و نیز کارگران شاغل در بخش‌های ساختمانی، کارگاهی مشاهده می‌شوند. این امر به دلیل خصلت موقتی این کار، ظرفیت بالای تولید و ضرورت چیدن به‌موقع سیب‌ها رخ می‌دهد؛ شرایطی که باغ‌داران را با کمبود شدید نیروی کار مواجه می‌کند. از گروه‌های دیگری که در فصل برداشت سیب مشغول کار می‌شوند می‌توان به رانندگان نیسان، کارگران بخش بارزنی و کارگران شاغل در تره‌بارها و سردخانه‌ها اشاره کرد.

به دلیل پراکندگی کارگران در باغ‌ها مختلف و موقتی بودن کار، آمار دقیقی از تعداد کل کارگران فعال در حوزه‌های مختلف برداشت سیب در دسترس نیست. ولی آن‌چه بر اساس تجربه می‌توان گفت: در یک روز کاری برای برداشت ۱۰ تن سیب با لیبیل زدن، نیاز به کار ۲۵ نفر کارگر است. هم‌چنین با این مقدار کار، کارگران می‌توانند ۲۰ تن سیب فله را نیز برداشت کنند.

کارگران فصلی سیب‌چین مانند سایر هم طبقه‌ای‌هایشان در تعیین دستمزد خود کوچک‌ترین دخالتی ندارند. میزان دستمزد روزانه‌ی کارگران، که شامل شروع کار در باغ از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر است، را صاحبان باغ‌ها و دلالان بدون حضور کارگران تعیین می‌کنند. کارگران در سال ۱۴۰۲ مبلغ ۴۵۰ هزار تومان بابت هر روز کار دریافت می‌کردند. البته این مبلغ ۵۰۰ هزار تومان بود که ۵۰ هزار تومان از آن را دلال در ازای یافتن کار برای کارگران و هم‌چنین ایاب و ذهاب (با ماشین یا مینی‌بوس‌های داغون و قدیمی) از آن‌ها دریافت می‌کرد. این دلالان که بعضاً سرکارگر نیز بودند از طرف باغ‌دار مسئول فشار به کارگران و سرعت بخشیدن به کار بودند. قابل ذکر است که هزینه‌ی صبحانه و نهار کارگران و هم‌چنین لباس و لوازم کار مثل دستکش و ... هم بر عهده‌ی کارگران است.

ساعت کاری کارگران میوه‌چین اما بسیار بیش‌تر از این‌هاست. فاصله‌ی زیاد محل زندگی کارگران تا محل کار باعث می‌شود این کارگران ساعت‌ها در راه باشند. به‌عبارت دیگر کارگران کل روز را درگیر کار هستند. علاوه بر این، از آن‌جایی که بخش زیادی از کارگران را زنان طبقه‌ی کارگر تشکیل می‌دهند، بعد از پایان کار در باغ، نوبت

شروع کار در خانه است؛ یعنی شب را هم نمی‌توانند درست استراحت کنند و باید مشغول پخت غذا و کارهای خونه و آماده‌سازی برای سر کار فردا باشند.

کارگران در یک باغ مشغول کارهای مختلفی هستند. به‌طور مثال برخی از کارگران از درخت بالا می‌روند و مشغول چیدن سیب می‌شوند در حالی که حتی در بعضی موارد برای آن‌ها نردبان هم در نظر گرفته نمی‌شود. برخی دیگر سیب‌های چیده شده را در سطل می‌ریزند و به مکان‌های از قبل مشخص شده داخل باغ می‌برند. در آن‌جا نیز کارگرانی سیب‌ها را از لحاظ کیفیت و اندازه سوا می‌کنند و در جعبه‌ها می‌چینند. این در حالی‌ست که نه‌تنها برای کارگرانی که از درخت بالا می‌روند مزد بیشتری در نظر گرفته نمی‌شود بل که برای کارهای راحت‌تر، مانند چیدن سیب‌ها داخل جعبه، مزد کم‌تری پرداخت می‌شود.

اکثر باغ‌داران بزرگ، باغ و محصولات خود را در برابر حوادث طبیعی و ... بیمه می‌کنند، اما خبری از بیمه‌ی کارگران نیست. این در حالی‌ست که کارگران در خطر تصادف در مسیر رفت و برگشت به باغ‌ها و در مسیرهای شلوغ هستند. از طرف دیگر کارگران به دلیل سرمای بیش‌تر باغ‌ها در فصل پاییز، فصل برداشت محصول، اکثراً مریض می‌شوند و معمولاً بیش‌تر روزهای کاری را با سرماخوردگی می‌گذرانند. خطرات ناشی از افتادن از روی شاخه‌ی درختان، لیز خوردن و آسیب‌های جسمی مختلف به دلیل نداشتن لوازم ایمنی کار، حتی کفش مناسب، بسیار رایج است. این در حالی‌ست که اگر اتفاقی برای کارگران بیافتد و به هر دلیل نتوانند سر کار حاضر شوند برای آن‌ها مزدی در نظر گرفته نمی‌شود.

باغ‌داران از سرمایه‌داران همین منطقه هستند و زبان مادری مشترکی با ما دارند. مدافعان نظام سرمایه‌داری تلاش می‌کنند در کنار تمام تضادهایی که بین ما و آن‌ها وجود دارد با زبان و پیوندهای دروغین دیگر ما و سرمایه‌داران را هم سرنوشت جلوه دهند و در راستای اهداف خودشان، که پرده کشیدن بر جامعه‌ی طبقاتی است، ما را با خود همراه کنند. ما کارگران باید هرچه‌بیش‌تر بر تضادهای نظام سرمایه‌داری تأکید کنیم و هم طبقه‌ای‌هایمان را در همه‌ی حوزه‌ها نسبت به این مسائل آگاه سازیم. ما باید در برابر دروغ‌ها و لجن‌پراکنی‌های سرمایه‌داران و مداحان‌شان، نگاه طبقاتی و سیاست مستقل کارگری داشته باشیم. متأسفانه به دلیل خصلت موقتی این کار و حضور بخش‌های مختلف طبقه‌ی کارگر، در میان کارگران سیب‌چین تا به امروز اتحاد و یکرنگی‌ای بین کارگران به وجود نیامده است و تا به امروز اعتصاب یا اعتراضی به شرایط کار و دشواری‌های آن مشاهده نشده است.

باتوجه به استیلای ایدئولوژی سرمایه‌داران در جامعه، طبقه‌ی کارگر هم متأثر از افکار و باورهای آنان گشته و بدون لایه‌برداری از این غبارها، حتی در میان کارگران بخش‌های دایمی تولیدی هم این صف‌بندی مستقل کارگری شکل نمی‌گیرد کارگران با آگاهی و اتحاد خود توان پیش‌روی و تغییر در وضعیت را کسب می‌کنند.